

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروهها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دبلیو/بین الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهیها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهیها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: همپهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

روزنامه نگار نه اینفلوئنسر



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

هفته پیش، پیشتر از آنکه سقوط بالگرد رئیس جمهور صدر اخبار شود و همه بحث‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی، به خصوص ایکس، حول این اتفاق متمرکز شود، خبر تقدیم جایزه همکار ما، الهه محمدی به روزنامه نگاران فلسطینی یکی از ترندهای شبکه‌های اجتماعی بود. این اقدام او مخالف و موافق کم نداشت، مثل هر چیز دیگری در این عالم، از شوربختی و بد روزگار است که باید بگوئیم این فعل او متهورانه بود. حتی متهورانه‌تر از نوشتن گزارش اش از مراسم خاکسپاری مهسا امینی و یا هر گزارش و نوشته دیگری؛ شوربختانه از این بابت که بدیهی‌ترین عمل اخلاقی در وضعیت فعلی جامعه ما مورد شدیدترین حملات قرار می‌گیرد.

اصلاً فرض بر این بگذارید که عده‌ای طرفدار دوآتشه اسرائیل باشند و دشمن حماس، چرا باید زنده کردن نام و گرامی داشتن یاد بیش از ۱۴۰ خبرنگاری که در حین انجام وظیفه‌شان در جنگ غزه کشته شدند، به مذاق شان ناخوشایند بیاید؟ غیر از اینکه وضعیت جامعه به جایی رسیده است که قبل تر بسیاری از روشنفکران هشدار داده بودند؛ وضعیت اینکه یا مثل ما فکر می‌کنید یا شما شائیتی از انسان بودن ندارد و حتی حق حیات؛ وضعیتی که خلاف همه دیگر جاهای دنیا هیچ اقدام غیر حکومتی‌ای برای دفاع از مردم بی‌پناه غزه صورت نگرفت؛ وضعیتی که جامعه ما به دو دسته تقسیم شده؛ یکی آنها که عینک جهان بینی شان را از صداوسیما می‌گیرند و دسته دیگر آنها که دل به دل اپوزیسیون غرض دار داده‌اند و معماری فکر و حتی احساسات خود را کامل به دست آنان سپرده‌اند. در این میان آنکه می‌خواهد جانب حقیقت باشد و نه سمت و سویی خاص، هر لحظه در تیررس تندرویان دو قطب جامعه قرار دارد. یک وقت جاسوس می‌خوانندش، زمانی هم می‌گویند این هم از خودشان است. این شرایط بیش از هر زمان دیگری حقیقت طلبی و کنشگری مبتنی بر اخلاق را سخت می‌کند. مصداق شعر عطار که می‌خانه و مسجد، هر دو برای آنکه نمی‌خواهد مرعوب هیچ قدرتی شود، حرام می‌شود.

باری، کار روزنامه نگاری اگر ذیل کار روشنفکری تعریف شده باشد و نه به مثابه یک تکنسین، همان کاریست که الهه محمدی انجام داد. اینکه فارغ از هر چیزی، تأکید می‌کنم مطلقاً هر چیز دیگری، روزنامه نگار باید که هر لحظه نسبت خودش را با حقیقت روشن کند. این تفاوت عمده کار روزنامه نگاری با اینفلوئنسری یا اینفلوئنسریست.

اینفلوئنسری به حقیقت کار ندارد، به بازار حقیقت کار دارد. بازار حقیقت یعنی آنچه در آن لحظه ترند روز است، آنچه به هر دلیلی از نظر جماعت حقیقت پنداشته می‌شود. اینفلوئنسر کار به این ندارد که حقیقت چیست، می‌خواهد سرمایه اجتماعی مقبولیت و محبوبیتش را از دست ندهد. نگاه می‌کند که در بازار حقیقت چه چیزی بورس است و اگر خلاقیتی داشته باشد آن را در بسته بندی جذابی ارائه می‌دهد. حتی همین قدر هم خلاقیت نداشته باشد هیچ اشکال ندارد، کافیست حرف و کلامی بگوید که با فهم عرفی آن لحظه و بورس بازار حقیقت هم‌آوایی داشته باشد تا این محبوبیت استمرار پیدا کند. هر چه این هم‌آوایی کمتر شود، مقبولیت کاسته می‌شود و حمله‌های بیشتر.

کار روزنامه نگاری حقیقی این نیست اما. روزنامه نگاری حقیقی نه به خدمت قدرت سیاسی در می‌آید و نه مبهوت و منقاد قدرت اجتماعی می‌شود. کار روزنامه نگاری حقیقی تاباندن نور بر تاریکی هاست؛ بر نقاطی که هیچ قدرتی بر آنها نور نمی‌تاباند. روزنامه نگار و هرآن کس که حقیقت بر هر چیز دیگری برایش اولویت داشته باشد، هرگز آن را فدای محبوبیتش نمی‌کند. آنکه برای مظلومی گریبان چسک می‌کند و عربده می‌کشد و برای مظلوم یا مظلومان دیگری لب از لب نمی‌گشاید در بهترین حالت جاهلیست که دیگرانی بر ذهن و ضمیرش سیطره دارند. در بیشتر اوقات هم آنان که بر ظلمی چشم می‌بندند و ظلمی دیگر را رسوا می‌کنند، هر کاری می‌کنند ربطی به حقیقت طلبی و آزادخواهی شان ندارد. درست است که سقراط گفته است که افراد هر چه نزدیکتر به ما باشند، بیشتر مستحق اخلاقی زیستن ما هستند و بسیاری از پژوهشگران اخلاقی هم این گزاره را متفق شمرده‌اند، اما واقعاً امروزه کسی می‌تواند منادی آزادی خواهی و حقیقت طلبی باشد و چشم بر آنچه در چند ماه اخیر در غزه اتفاق افتاد ببندد؟



عکس: دینود بزلت

پهلوی به روایت دیگری

سریال آخرین شاه؛ نگاهی احتمالاً جهت دار به فراز و فرود آخرین سلطنت ایرانی است



نازنین بقبای

خبرنگار فرهنگ

می‌گیرد که از کمی قبل تر از ازدواج پرنسس الیزابت و فیلیپ مونت باتن در سال ۱۹۴۷ آغاز و با ازدواج شاهزاده چارلز و کامیلیا پارکر در سال ۲۰۰۵ پایان می‌یابد. با این حال، سریال «تاج» به دلیل نمایش غیرواقعی برخی از رخدادها تاریخی، مورد انتقادات فراوان قرار گرفته است. به همین سبب نتفلیکس در سال ۲۰۲۲، یک هشدار سلب مسئولیت را در صفحه‌ی خلاصه‌ی سریال، در وبسایت خود و همچنین توضیحات یوتیوب درباره‌ی تریلر فصل پنج اضافه کرد که در آن، سریال را «درام‌سازی تخیلی که الهام گرفته از رویدادهای واقعی است»، توصیف می‌کند.

بیوگرافی سازنده سریال آخرین شاه

در بخشی از مینی بیوگرافی او در آی‌مدی بی‌آی آمده است: موری روزمارین تهیه‌کننده، کارگردان، نویسنده و روزنامه‌نگار تحقیقی سابق است. او جوایز متعددی را به‌عنوان تهیه‌کننده مجلات مستند و خبری، کارگردان و نویسنده برای بسیاری از معتبرترین برنامه‌های پخش آمریکا کسب کرده و از نزدیک با بسیاری از روزنامه‌نگاران تحسین‌برانگیز تلویزیون از جمله مایک والاس، استیو کرافت، باربارا والترز و استون فیلیپس همکاری داشته است. آثار او در نشریات معتبری چون نیویورک تایمز، لس‌آنجلس تایمز و سایر رسانه‌های چاپی و الکترونیکی در ایالات متحده، کانادا و سراسر جهان منتشر شده است. اولین مستند بلند روزمارین، «خون و اشک» که او تهیه‌کننده، کارگردان و یکی از نویسندگان آن بود، درگیری اعراب و اسرائیل را نمایش می‌دهد و از فیلم‌های دراماتیک، مصاحبه‌های اصلی، گرافیک و مطالب آرشیوی برای افشای تاریخ واقعی درگیری اعراب و اسرائیل استفاده می‌کند. «خون و اشک»، تحسین منتقدان را از تمام بخش‌ها به دست آورده است؛ به طوری که این اثر را فیلم قطعی درگیری اعراب و اسرائیل نامیدند و توسط شرکت پخش برنده جایزه آکادمی، توزیع شد. روزمارین دو فیلمنامه بلند به نام‌های «ارواح برلین» و «پرونده دایامونتا» نیز نوشته است که هر دو از فیلم‌های هیجان‌انگیز سیاسی ساخته می‌شوند. او اکنون تهیه‌کننده سریال «آخرین شاه»؛ ظهور و سقوط شاه ایران است. او علاوه بر تهیه‌کنندگی این سریال، نویسنده اصلی آن بوده که اپیزود پایلوت را هم نوشته است. هدف کار او، روایت کردن دوره‌ای است که ایران متحد اصلی ایالات متحده و اسرائیل بوده است.

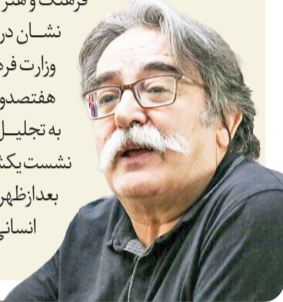
پیش‌بینی حاشیه

آنچه تا به اینجای کار می‌توان فهمید این است که «آخرین شاه» بر خلاف نامش، قرار است متمرکز روی آخرین ملکه ایران باشد و رویدادها را از زاویه دید او برای مخاطب تصویر کند. با توجه به خلاصه داستان، همچنین گزارش‌های ویرایتی از این سریال که به جای توضیح در رابطه با موضوع و داستان و سایر ملزومات اثر، در حال مدح این دوره تاریخی در ایران بوده، انتظار می‌رود که با سریالی جهت‌دار متمایل به سلطنت‌مواجه باشیم که موجب جنجال و حواشی متعددی خواهد شد. برپایی جنجال در رابطه با سریالی با ابعاد سیاسی، موضوع غریبی نیست؛ مخصوصاً اگر بی‌طرفانه ساخته نشود. با این حال قطعاً تا زمان پخش نخستین قسمت اثر باید منتظر ماند و دید که آیا سریال «آخرین شاه» همانند سریال «تاج» که از آن الهام گرفته است، ارجاعاتی نادرست به وقایع تاریخی دارد و در آخر به دلیل حواشی مجبور می‌شود تا سلب مسئولیت کند و اثر را «درام‌سازی تخیلی الهام‌گرفته از رویدادهای واقعی» معرفی کند، یا همانند سریال «معمای شاه» به دلیل ضعف فنی و روایات تاریخی نامعتبر، شکست تجاری می‌خورد یا تبدیل به اثری قابل توجه می‌شود که علاوه بر دارا بودن جلوه‌های بصری جذاب به صحت رخدادها تاریخی ایران وفادار خواهد بود و تبدیل به سریالی قابل استناد خواهد شد.

چهره

بزرگداشت خالق حافظه تصویری ایرانیان

احمد عربانی، متولد سال ۱۳۲۶ از جمله مهم‌ترین کارتون‌سازان مطبوعاتی پس از انقلاب است. او خالق خاطره‌انگیزترین جلد‌های مجلات «گل آقا» است که حافظه تصویری چندین نسل از ایرانیان را تشکیل داده‌اند. عربانی فعالیت حرفه‌ای خود را به‌عنوان کاریکاتوریست از سال ۱۳۴۷ با مجله «توفیق» آغاز کرد و تا امروز طی بیش از نیم‌قرن فعالیت هنری، با بسیاری از مجلات و روزنامه‌های مطرح ایرانی همکاری کرده است. او هم‌چنین از سال ۱۳۵۲ به‌عنوان انیماتور، فعالیت خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. معروف‌ترین ساخته او، انیمیشن «تبر» است که در زمان خود مخاطبان فراوان یافت. احمد عربانی در سال ۱۳۷۲ در کنار ۹ نفر از شخصیت‌های فرهنگی و هنری به‌عنوان کاریکاتوریست برگزیده سال به دریافت مدال و حمایل افتخار از انجمن حافظان فرهنگ و هنر ایران نائل آمد. عربانی در سال ۱۳۸۹ نشان درجه یک هنری (معادل دکترا) را از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. هفتصد و چهل و دومین شب از شب‌های بخارا به تجلیل از احمد عربانی اختصاص دارد. این نشست یکشنبه ششم خردادماه ۱۴۰۳ ساعت پنج بعد از ظهر در تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار خواهد شد.



کتابخانه

خاطره‌ها و تجربه‌ها از زندگی و جنگ

کتاب «اسم رمز: پانولین (خاطرات یک مأمور ویژه از جنگ جهانی دوم)» نوشته برل وینترینگتون کورنیولی، با ترجمه سامان دماوندی نیا در ۱۹۶ صفحه و با قیمت ۲۱۵ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شده است. در غروب ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۲، برل وینترینگتون ۲۹ ساله به‌عنوان مأمور ویژه برای کمک به نیروی مقاومت فرانسه با چتر نجات در روستایی دورافتاده در فرانسه فرود آمد و فعالیتش را برای اجرای عملیات ویژه بریتانیا آغاز کرد و در این مسیر به یکی از مهم‌ترین مبارزان زن مقاومت در جنگ جهانی دوم تبدیل شد. در «اسم رمز پانولین»، برل خاطره‌ها و تجربه‌هایش را از زندگی و جنگ روایت می‌کند؛ خاطرات دوران کودکی زیر سایه جنگ جهانی اول، فرار خانواده از فرانسه با نزدیک شدن آلمانی‌ها در ۱۹۴۰، استخدام و آموزش به‌عنوان مأمور ویژه، کار در پوشش فرورونده لوازم آرایشی در سراسر کشور به‌عنوان پیک مخفی و... پس از دستگیری رهبر شبکه به دست گشتاپو، او به «پانولین» تغییر نام داد و فرماندهی گروه ۳۵۰ نفره مبارزان مقاومت فرانسه را بر عهده گرفت.



اسم رمز: پانولین
(خاطرات یک مأمور ویژه از جنگ جهانی دوم)
نویسنده:
برل وینترینگتون کورنیولی
مترجم:
سامان دماوندی نیا
انتشارات: چشمه

تاریخ

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس

شورای همکاری خلیج فارس، بلوکی سیاسی-تجاری شامل کشورهای عرب پیرامون خلیج فارس است که اعضای آن اهداف تجاری و اجتماعی مشترکی را پیگیری می‌کنند. شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ می ۱۹۸۱ میلادی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی تشکیل شد و از جمله اهداف کشورهای عضو، رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بود. شش کشور عربستان، امارات، بحرین، قطر، عمان و کویت عضو این شورای همکاری هستند. این شش کشور حوزه خلیج فارس دارای بیش از سه هزار کیلومتر مرز دریایی هستند. شش کشور شورای همکاری خلیج فارس در مجموع ۴۰ درصد منابع نفتی و ۲۵ درصد منابع گازی سراسر جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این کشورها در مجموع ۵۰ میلیون نفر جمعیت دارند که بیش از نیمی از جمعیت‌شان خارجی تبار هستند. به‌صورت کلی عوامل شکل‌گیری شورای خلیج فارس را می‌توان سه مورد دانست: پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، حمله شوروی به افغانستان و اشغال نظامی این کشور و بیم کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از نزدیک شدن هر چه بیشتر شوروی به خاور میانه و وقوع جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران.

